

وزیر علوم: به جای ۳ دیپلم یک دیپلم بدهیم!

شوکرمانی

به جای هدایت تحصیلی در ست

یازهم صحبت از یک طرح جدید در آموزش و پرورش به میان آمده‌است؛ طرحی که در آن وزیر علوم می‌گوید باید سه نوع دیپلم به یک دیپلم تغییر کند. این یعنی دانش‌آموزان دیپلم‌ستانی تا پیش از فارغ‌التحصیلی هنوز هدف و راهشان را پیدا نخواهند کرد! گفته شده که علت بیان چنین طرحی این است که ۶۰۰ هزار دانش‌آموز تنها برای ۲۰ هزار رشته، تجربی و انتخابی می‌کنند. یعنی برای کم کردن آمار متقاضیان رشته تجربی، در این طرح پیش‌بینی شده‌است به همه دیپلم‌ستانی‌ها یک دیپلم مشترک بدهند. به نظر می‌رسد بیان چنین طرحی، بیشتر برای پاک کردن صورت مسئله باشد، چرا که اگر فرض کنیم همه دیپلم‌ستانی‌ها یک نوع دیپلم بگیرند بدون شکر برای گذراندن تحصیلات عالی به سراغ همان ۲۰ هزار رشته تجربی خواهند رفت و آن وقت هیچ چیزی تغییر نمی‌کند، به جز تحمیل هزینه به آموزش و پرورش و ایجاد استرس و نگرانی برای دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان.

■ ■ ■

پیش‌تر معاون متوسطه آموزش و پرورش و این‌بار هم وزیر علوم از طرح ادغام رشته‌های نظری سخن گفته‌اند،اینکه دیگر خبری از رشته «پایه»، «تجربی» و «علوم انسانی» نباشد. البته این موضوع در سال ۱۳۹۶ نیز مطرح شده‌بود و در نهایت در پایگانی آموزش و پرورش قرار گرفت. حال پس از گذشت حدود ۱۴ سال، مجدداً رسانه‌ای شده‌است، موضوعی که بعدی به نظر می‌رسد کارشناسی شده‌باشد.

■ **واکنش کاربران فضای مجازی**

رسانه‌ای‌شدن چنین موضوعی که چندین سال طول می‌کشد به مرحله اجرا برسد، کمی عجیب و غیر کارشناسی به‌نظر می‌رسد. به ادعای وزیر علوم، طرحی که از آن سخن به میان آمده‌است، باید از سوی مجلس شورای اسلامی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی در قالب قانونی جدید تصویب شود، اما اعلام یک ایده که اصلاً معلوم نیست اجرا شود یا نه، نگرانی‌هایی را ایجاد کرده و دلپره به جان دانش‌آموزان انداخته‌است، دانش‌آموزانی که دغدغه ورود به دانشگاه یا یاد گرفتن مهارتی برای ورود به بازار کار را دارند و حالا در معرض شوکر جدیدی خودشان قرار گرفته‌اند.

مطرح کردن طرح ادغام رشته‌های نظری وکنش‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته‌است. یکی از کاربران در این‌باره نوشته‌است: «شاهدان هستیم که برخی بالیسانس شیمی، دکترای اقتصادی می‌گیرند، این یک اشتباه محض است که فرزندنوانسته‌مسیری را که در آن موفق است تا پیش از دوران کارشناسی پیدا کند. حالا با یکی شدن سه رشته در سطح دبیرستان این پلاتکلیفی بیشتر خواهد شد. سه رشته‌ای که باید تخصصی‌تر شوند، نه اینکه یکپساکن باشد.»

کاربر دیگری نیز نوشت: «سال‌ها تلاش شد با هدایت تحصیلی در ست، دانش‌آموزان استعدادیابی شوند و به سمت رشته‌ای که علاقه دارند بروند. بدون شک، تبدیل سه دیپلم به یک دیپلم اشتباه محض است. واقعاُ برخی علاقه به ریاضی و تجربی ندارند و برخی هم به رشته انسانی. این کارها به هدر دادن زمان و امکانات است که برخی از مسئولان، به آن افتخار هم می‌کنند.»

■ **اظهار نظر شاداز سوی افراد غیر متخصص**

برخی از کارشناسان آموزش نسبت به طرح ادغام رشته‌های نظری خوشین نیستند. سیدمحمد مرد، دکترای مدیریت آموزش در این رابطه به «جوان» می‌گوید: «یکی از مشکلاتی که مادر نظام تعلیم و تربیت داریم، این است که افراد غیر متخصص و غیر کارشناس عموماً اظهار نظر شخصی می‌کنند که هم با مبانی علمی در تعارض است هم با مصالح کلی دانش‌آموزانی که تحصیل می‌کنند.»

او ادامه می‌دهد: «بدون شک کسانی که در حوزه تعلیم و تربیت فعالیت دارند، اولین موردی که باید به آن توجه داشته‌باشند، بحث پیچیدگی این حوزه است، بنابراین هر اظهار نظر، تعقل و نقل قولی در آن، نیاز به کار کارشناسی زیادی دارد. متأسفانه منویات برخی از افرادی که در این حوزه صاحب قدرت هستند همواره باعث بروز مشکلات عده‌بهای برای دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان شده‌است.»

در سال‌های اخیر مشاهده‌شده که ترجیح دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در انتخاب بیشتر زمینه مسائل اقتصادی و درآمداست. آقای مرد در این رابطه اظهار می‌دارد: «گرایش دانش‌آموزان به رشته تجربی به هیچ‌عنوان متغیر مستقل نیست که برخی به صورت مستقیم به آن می‌پردازند، بلکه این گرایش ناشی از وضعیت نابسامان بازار کار و تربیت نیروی انسانی و در سطح کلان‌تر اقتصاد کلان می‌باشد. متأسفانه به‌توجه به درآمد نجومی که رشته‌های پزشکی و تخصص‌های مرتبط با زیبایی دارد، عموم کسانی که این رشته را انتخاب می‌کنند، به براساس علاقه و استعداد بلکه بیشتر با نگاه درآمدزایی در انتخاب این رشته.»

او با بیان اینکه دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان برای تمایل به انتخاب رشته تجربی تقصیر ندارند، می‌گوید: «وقتی در جامعه، بخش صنعت، کشاورزی و خدمات، بازدهی کافی اقتصادی نداشته‌باشند، خانواده‌هایی که حتی فرزندان مستعد در این رشته‌ها دارند، به این فکر می‌کنند که برای آسند آنها چه مسیری را انتخاب کنند که بهتر باشد. به عبارتی از حیثیت استعداد و علاقه، قدرتش را از دست می‌دهد و گرایش براساس ضرورت و جاذبه اقتصادی جای آن را می‌گیرد.»

دکترای مدیریت آموزشی تصریح می‌کنند: «شکاف بزرگی بین نیروی انسانی مورد نیاز جامعه و نهادهای متولی آموزش در جامعه ما وجود دارد، نهادهای آموزش مانند آموزش و پرورش و دانشگاه، مسئولیت خودشان را در باره تربیت نیروی انسانی که پیشران توسعه باشند به درستی انجام نمی‌دهند، به همین دلیل ناترازی آموزشی در این میان ایجاد شده‌است. این ناترازی ناشی از عدم برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه آموزش است.»

■ **ضرورت کشف استعداد دانش‌آموزان از سنین کم**

آقای مرد درباره ضرورت کشف استعداد دانش‌آموزان می‌گوید: «استعدادیابی دانش‌آموزان در سنین پایین‌تر و کشف و شکوفایی آن، از مسئولیت‌های اصلی آموزش و پرورش مدرن است. هر چقدر این امر، استعداد به تأخیر بیفتد حجم عظیمی از نیروی انسانی ماهر در آینده از بین می‌رود. برخی معتقدند که کشف استعداد باید در دوره ابتدایی صورت بگیرد و سپس آنها وارد بهترین مسیر شوند. بنابراین آموزش شگ عمومی در دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول باید به اتمام برسد و بعد از آن دانش‌آموز در مسیری که توانایی بهتر و بیشتری دارد، قرار بگیرد.»

او ادامه می‌دهد: «اگر اقتصاد در سطح کلان دارای ناترازی و بازار اشتغال غیرعلمی و غیرقابلیتی است، اینها دلیلی بر این نیست که اصل تشخیص استعداد دانش‌آموزان را نادیده بگیریم. بنابراین گفتمان دیپلم عمومی به تأخیر انداختن انتخاب رشته دانش‌آموزان است؛ یعنی به جای اینکه ما بیاییم بحث بازار کار را در ست کنیم یا ناترازی را شکلگر را برطرف کنیم، خودصورت مسئله را پاک کنیم.»

دکترای مدیریت آموزشی در پایان تأکید می‌کنند: «اگر قوانین آموزش و پرورش و راهی که در نظام آموزشی تجربه شده، تغییر کند، باعث هدررفت انرژی، اضطراب خانواده‌ها و عدم توانایی برنامه‌ریزی نیروی کار می‌شود. این نشان از ناآگاهی سیاستگذاران آموزشی دارد. بدون شک یکی از نقش‌های اساسی آموزش و پرورش، باغبانی یا زمینه‌سازی برای شکوفایی استعداد بالای افراد است. بنابراین اجبار در انتخاب رشته یا تأخیر آن در امتداد باالتر باعث سرخورگی دانش‌آموزان، ایجاد تقلب، استفاده از رانت و سردرگمی جامعه برای انتخاب شغل خواهد شد، بنابراین به عقیده من، اظهارات آقای زلفی قل‌گد مبنای واقعی، علمی و آکادمیک است. بهتر است کسانی که در حوزه تعلیم و تربیت صاحب‌نظر نیستند، تجویز برای حل مشکلات نکنند.»

چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۳ | ۴ محرم ۱۴۴۶

گفت‌وگو

سجاد آذری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در گفت‌وگو با «جوان» مطرح کرد

معیارهای تحلیل مشارکت مردم در انتخابات به هم ریخته است

محسن ردادی در گفت و گو با «جوان»: معیارها، شاخص‌ها و ملاک‌هایی که سابقاً حاکم بود و براساس آنها می‌توانستیم مشارکت مردم را در انتخابات تحلیل کنیم، واقعاً به هم ریخته و به گونه دیگری می‌شود تحلیل کرد



رهامدهشیری | جوان

انتخابات دوره چهاردهم ریاست جمهوری اسلامی ایران در حالی با افت و خیزهای بسیارپه پایان رسید که خط‌بطلاتی بر بسیاری از پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌ها در میزان و نوع مشارکت مردم بود و نشان داد شاید بسیاری از پیش‌فرض‌ها در خصوص چگونگی حضور مردم و همین‌طور قصدی‌که از این انتخابات نیز ناشناخته‌است. به منظور فهم نوع و پیام مشارکت اخیر به سراغ محسن ردادی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه رفته و در گفت و گوی «جوان» با او نوع رفتار اجتماع از مورد تحلیل قرار داده‌ایم. ■ ■ ■

چند چه که برخلاف همیشه، دور دوم انتخابات تعداد آرا از دور اول بیشتر شد؟

یک علت این افزایش رأیی که در دوم اتفاق افتاد، به این باز می‌گردد که در دور اول خیلی از افراد به دلیل دلخوری و تأثیر تبلیغات تحریمی‌ها از ورود به عرصه انتخابات اجتناب داشتند، ولی وقتی که در دور اول بکسی‌ها آمدند، بیخ انتخابات شکسته شد. تصور افراد این بود که وقتی تحریم اتفاق می‌افتد، ممکن است ۱۰ یا ۲۰ درصد مردم بیشتر در انتخابات مشارکت پیدا نکنند، ولی زمانی که ۴۰ درصد شرکت کردند، تقریباً تحریم بی‌معنا می‌شود. یک خطی کشوده شد، سبسی از بین رفت و گاهی که بعضی از مردم داشتند که وارد انتخابات بشویم برداشته شد، در نتیجه این اتفاق، خیلی‌ها تشویق شدند در انتخابات شرکت کنند و من فکر می‌کنم این مسئله موجب شد در دور دوم انتخابات شاهد حضور بیشتر باشیم.

در خصوص این نوع آرایش آرا که از یک طرف استان‌های مرکزی به آقای جلیلی رأی دادند و استان‌های شمال غربی، غربی، شمالی به همراه سیستان و بلوچستان و مانند آنها به آقای پزشکیان رأی دادند، این تحلیل ارائه می‌شود که کردها، ترک‌ها و سنی‌ها بیشتر سمت آقای پزشکیان بدهند. چقدر این تحلیل را قبول دارید؟

براساس بررسی من، موضوع پیچیده‌تر از این است که با ابزارهای رایج که مبتنی بر شکاف‌های قومیتی، مذهبی، حاشیه-مرکز و حتی بحث‌های سیاسی بخواهیم آن را تحلیل کنیم. هر چند پاسخی الان در خصوص اینکه این مسائل را چگونه باید تحلیل کرد، ندارم، ولی چند مورد نقض این پیش‌فرض‌ها را مطرح می‌کنم. فقط نقض این مسائل و چند سؤال خودم را مطرح می‌کنم و در مجموع با دستگاه سابق وایتقدر بسیط نمی‌شود در مورد موضوع مشارکت استان‌ها قیولت کرد. استان بزود که سنتاً اصلاح‌طلب بودند و پایگاه رأی اصلاح‌طلبی محسوب می‌شد، ولی دیدیم که با تفاوت خیره‌کننده‌ای به آقای جلیلی رأی می‌دهند. ممکن است بعضی‌ها بگویند بحث شکاف قومیتی که زیاد گفته می‌شود، مطرح است مثلاً استان‌های آذری زبان به آقای پزشکیان رأی دادند و آرای آقای پزشکیان را قومیتی تلقی می‌کنند که در این خصوص ما کلی

آشفته رفتار کرد؟»
خیلی نمی‌شود گفت که مردم آشفته رفتار می‌کنند، آشفنگی در رفتار مردم نیست، آشفنگی در ابزار تحلیل جامعه‌شناسان و تحلیلگران سیاسی است و باید این ابزارها به روز شود تا بتوانیم رفتار مردم را دقیقاً درک کنیم. از طرف دیگر می‌بینیم که بحث‌های تحلیلی واقعاً جواب نداد، تصور این بود که بعد از اتفاقات سال ۱۴۰۱ خیلی مشارکت کم‌شود، ولی می‌بینیم که در دور دوم انتخابات میزان مشارکت نسبت به سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کرد و حداقل کم نشد، اینها نشان می‌دهد تحلیل‌های سیاسی، قومیتی و مذهبی با ابزارهای موجود خیلی نمی‌توانند رفتار انتخاباتی مردم را توضیح دهند و تحلیل کنند. همه اینها نیاز دارد به اینکه جامعه‌شناس‌ها و تحلیلگران سیاسی دور هم بنشینند و جوانب مختلف را ببینند و احتمالاً در نهایت می‌باید یک مدل ترکیبی استخراج کنیم تا بتوانیم رفتار مردم را بفهمیم.

چقدر این افزایش ۱۰ درصدی در دور دوم به دلیل دوقطبی ایجادشده به خصوص به اصطلاح به دلیل جلیلی‌هراسی بود؟

دو قطبی معمولاً در انتخابات وجود دارد و در

جامعه

سرویس اجتماع۶۰۶۰۸۵۲۳

در جاهایی ما شاهد نزدیکی بین اصلاح‌طلب‌ها و هواداران آنها با براندازها و تحریمی‌ها بودیم، مانند اتفاقات سال ۱۴۰۱ ولی الان یک شکافی بین اتفاق افتاده، نه اینکه از لُج آنها هم باشد، بلکه آنها را نادیده گرفتند و اصلاً برای آنها مهم نیست اینها چه چیزی گفته‌اند. این اتفاق مبارک‌تری است که شما در کنش سیاسی خود توجهی به این تحریمی‌ها و ضدانقلاب‌ناشنه‌باشی و یگویی آنها آن طرف آب نداشتند و برای ما نسخه می‌پیچند، ولی من اینگونه نیستم، اینکه آقای صادق زیباکلام وقتی از زندان بیرون می‌آید در مرخصی زندانش رأی می‌دهد و مشارکت‌های دیگری که اتفاق افتاد، یعنی رأی‌ها برانداز من شمارا را به رسمیت نمی‌شناسم که براساس گفته تو بخوام کاری انجام بدهم یا انجام ندهم. این خیلی اتفاق خوبی است و نوبدبخش این است که امکان رسیدن به نقطه اشتمی و اشتراکی به وجود آمده که می‌تواند چیزی باشد که مورد تأکید رهبر انقلاب است و تمام کسانی را که به آینده ایران می‌اندیشند، فارغ از گرایش‌های انقلابی و فارغ از اینکه چقدر به جمهوری اسلامی دل بسته هستند، کنار هم قرار بدهد. خیلی آشکار است تحریمی‌ها و براندازهایی که آن طرف دارند برای شروع جنگ علیه ایران اقدام و رایزنی می‌کنند، کسانی که اصرار دارند تحریم‌های اقتصادی بیشتر شود، برای گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست تروریسم تلاش می‌کنند، هیچ عقلمای به ایران ندارند و دارند در هر قدم خود به ایران ضربه می‌زنند و این مطلبی است که هم هواداران اصلاح‌طلب در داخل ایران متوجه شدند و هم در میان لایه‌های میانی و پایانی اصلاح‌طلبی در کش، چون لایه‌های بالایی آنها این موارد را می‌دانستند ولی الان حتی کسانی که با اصلاح‌طلبان سروسری ندارند، ولی نسبت به جمهوری اسلامی منتقد هستند، کاملاً این مسئله را متوجه شدند و دارند از آنها دور می‌شوند، چون یک کشف جدی بین آنها و هوادارانشان در ایران به وجود آمده و راز این سربست و ناسازگارگفتنی که مدام دارند به کسانی که در انتخابات شرکت کردند، همین است که متوجه شده‌اند دارند بدهند، اجتماعی را به شدت و سرعت از دست می‌دهند؛ بدنه‌ای که شاید تصور می‌کردند در سال ۱۴۰۱ به آنها به شدت نزدیک‌شده الان در حال دور شدن از آنهاست.

مثال نقض وجود دارد، مثلاً در استان خوزستان قطعاً به شکل جمعی آذری زبان وجود ندارد و اگر قومیتی باشد، قومیتی است که با آذری‌زبان‌ها تعارض دارد، ولی می‌بینم در خوزستان بیشتر به آقای پزشکیان رأی دادند تا جایی که مثلاً استان آذربایجان غربی که زیادگاه آقای پزشکیان است نیز این مقدار به وی رأی نداد می‌بودند. بر این اساس نمی‌شود به راحتی براساس قومیت آرا را تحلیل کرد. حتی استان‌هایی که از نظر فرهنگی خیلی به هم نزدیک هستند مانند استان گیلان و مازندران، تفاوت آرای بسیار زیادی بین آنها دیده‌می‌شود، مثلاً می‌بینیم که استان مازندران خیلی کم به آقای پزشکیان رأی دادند ولی استان گیلان که با مازندران یک فرهنگ دارند، خیلی زیاد به آقای پزشکیان رأی دادند. ممکن است برخی بگویند مثلاً گیلانی‌ها خیلی مدرن‌تر هستند، در حالی که اینگونه نیست و مازندرانی‌ها به دلیل اینکه نزدیک‌تر به تهران هستند و بیشتر با تهرانی‌ها رفت و آمد داشته‌اند، اتفاقاً منطقهای است که مظاهر مدرنیته و فرهنگ تهرانی بیشتر آنجا وارد شده‌است.

این مثال‌های نقض برای این بود بگویم همان که رهبر انقلاب فرمودند که جامعه‌شناسان بنشینند، تحلیل کنند و مشارکت و چگونگی مشارکت مردم را درک کنند، حتماً ضروری است که انجام شود و لازم است که مطالعه بیشتری در این خصوص انجام شود. چیزی که خیلی مقدم‌اتنی درباره تحلیل آرای انتخابات می‌شود گفت، این است که معیارها، شاخص‌ها و ملاک‌هایی که سابقاً حاکم بود و براساس جواب داده و یک جاهایی هم جواب ن داده‌است، ولی رقیب‌هراسی که این دوره اتفاق افتاد، نسبت به دوره‌های قبل آفتقد زیاد نبود. بر همین اساس عرض می‌کنم شاید تحلیل دوقطبی خیلی نتواند کمک کند، ضمن اینکه یکی از عوامل ایجاد دوقطبی فعالیت رسانه‌های بیگانه است، یعنی مثلاً سال ۱۳۹۶ یا ۱۳۹۲ به شدت رسانه‌های بیگانه سعی در رقیب‌هراسی داشتند و حتی به تعبیر رهبر انقلاب بیگانه‌ها انگلیسی می‌دانند؛ یعنی مثلاً بی‌سی‌بی از یک لیست یا فرد حمایت می‌کرد و اخبار وی را پوشش می‌دادند و خب طبیعی است که این رفتار دوقطبی را خیلی شدیدتر می‌کرد، ولی این نفعه شاهد این موضوع نبودیم، بلکه رسانه‌های بیگانه خیلی بیشتر اصلاح‌طلبان را می‌زنند و خیلی بیشتر به آنها نقد می‌کردند. یعنی آقای ظریف و پزشکیان بیش از اصولگرایان مورد ضمانت ضدانقلاب قرار می‌گرفتند.

چرا این اتفاق می‌افتاد؟

چون این دفعه استراتژی ضدانقلاب بحث تحریم بود و احساس می‌کردند کسی که تحریم را می‌شکند، اصلاح‌طلبان هستند، بنابراین اینها را بیشتر مورد ضمانت قرار می‌دادند و بیشتر به آنها دشنام می‌دادند.

اسکان دارد این افزایش مشارکت نتیجه معکوس در یافت همین پیام از طرف مردم باشد؟ یعنی مردم احساس می‌کنند چون رسانه‌های ضدانقلاب به دنبال این هستند که با تخریب پزشکیان مشارکت را کاهش دهند، رسانه‌ها مقابله کنند؟

بله، اتفاقاً فکر می‌کنم مردم، مخصوصاً اصلاح‌طلبان غیر تحریمی و حتی تحریمی‌ها این فعالیت‌ها را نادیده گرفتند و این اتفاق مبارکی است.

تظلم خواهی یکی از خوانندگان «جوان»

از ریاست محترم قوه قضائیه

۱۸ سال چشم‌انتظاری

برای تحقیقات درست قضایی

چک تضمین شده‌ای در سال ۱۳۸۵ توسط بانک ملی ایران به صورت متقلبانه صادر شد و فردی از آن به عنوان ابزار فریب سوءاستفاده کرده‌است. همه مردم تصور می‌کنند که چک تضمین شده مانند پول نقد است، اما گویا این تصور اشتباه است.

توضیح بیشتر آنکه متأسفانه قضات پرونده‌های مختلف طی این ۱۸ سال، با این استدلال که دوامضای فوق متعلق به یک نفر است، حکم صادر نموده‌اند. نکته عجیب آنکه هیچ‌کدام از قضات صادرکننده حکم، این دو امضا را به کارشناس رسمی خط ارجاع ندادند! این در حالی است که هر فردی به راحتی می‌تواند تشخیص دهد که دوامضای فوق متعلق به یک نفر نیست. علی‌رغم نامه حراست بانک مرکزی کشور و اطلاع بانک ملی از آن، کماکان بانک ملی در مراجع قضایی به دروغ اظهار می‌نماید که دو امضای فوق متعلق به یک نفر است. متأسفانه مراجع قضایی نیز کماکان تحقیقات لازم را انجام نمی‌دهند. اخیراً از نماینده حقوقی بانک ملی ایران که در برگه صورت‌جلسه مراجع قضایی بازرس یکی از شعب مجتمع قضایی شهید محلاتی تهران با این استدلال عجیب که اصلاً چنین اظهاراتی در پرونده قضایی موجود نیست، قرار منع تعقیب نماینده بانک ملی را صادر نموده‌است. این ادعای بازپرس در حالی است که کبیی برگه اظهارات کتبی نماینده بانک ملی که در پرونده قضایی مضبوط است، نزد روزنامه «جوان» موجود است. اکنون به این قرار منع تعقیب عجیب اعتراض نموده‌ایم و از ریاست محترم قوه قضائیه عاجزانه خواهشمند است ترتیبی اتخاذ گردد تا پس از ۱۸ سال انتظار برای اجرای عدالت، مسیر اجرای عدالت را هموار نموده و تحقیقات کامل قضایی انجام آجا برسد.



سخنگوی دستگاه قضا:

پرونده کر سنّت همچنان مفتوح است

سخنگوی قوه قضائیه توضیحاتی درباره پرونده کر سنّت ارائه کرد. اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه گفت: از سال‌های بسیار دور پرونده‌ای در این زمینه مطرح است و در دولت‌های مختلف برای کار کارشناسی تقاضاهای متعددی برای توقف رسیدگی مطرح شده‌است و شاید یکی از علل روند طولانی این پرونده این باشد که هر دولتی نظر خاصی داشت.

جهانگیر افزود: با پیگیری‌های صورت گرفته تاکنون برای تعدادی از متهمان در این پرونده رأی صادر و قطعی شده و حتی برخی احکام صادره اجرا شده‌است.

وی اضافه کرد: نسبت به برخی از افراد متهم در این پرونده، همچنان پرونده مفتوح است و برخی احضار شده‌اند و تحقیقات لازم انجام شده‌است و برخی در رابطه با تخلفات، مجدد با مراجع اجرایی به‌ویژه وزارت نفت استعلاماتی صورت گرفته‌است که پس از وصول گزارش‌ها به‌ویژه وزارت نفت اقدامات مقتضی و نتیجه تکمیلی اعلام می‌شود.

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالی درباره فعالیت ستادهای پیشگیری از جرم و تخلفات انتخاباتی گفت: در دوران برگزاری انتخابات ستادهای پیشگیری از وقوع جرائم و تخلفات انتخاباتی در سه سطح تشکیل شد. وی با تأکید بر رویکرد پیشگیرانه دستگاه قضایی ادامه داد: در این مدت ۳هزار۹۰۰ نفر مورد توجه و ارشاد قرار گرفتند، همچنین ۱۰۰ نفر احضار شدند.

جهانگیر با اشاره به دستگیری ۱۱۳ نفر در روز جمعه ۱۵ تیرماه در دور دوم انتخابات افزود: این افراد مرتکب جرم و تخلف شده‌بودند که اغلب آنها در همان روز با تعهد و قرار تأمین مناسب و وثیقه آزاد شدند.

سخنگوی قوه قضائیه اظهار داشت: در این مدت برای دو کانال خبری نیز اعلام جرم شد، همچنین هزار و ۵۰۰ صفحه در اینترنت‌گرم که تلاش بر تشویق مردم برای تحریم انتخابات و ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه داشتند نیز شناسایی شد.

جهانگیر در پاسخ به سؤالی درباره آمارى از بازداشت متخلفان انتخابات گفت: در مرحله اول برگزاری انتخابات ۵۸ نفر از مرتکبین جرائم و تخلفات انتخاباتی دستگیر شدند که در این خصوص پرونده‌هایی تشکیل شده که عمده آنها با قرارهای مناسب آزاد هستند تا تحقیقات کافی انجام شود.

وی در ادامه گفت: اکنون انتخابات به پایان رسیده‌است و باید رقابت‌ها به رفاقته تبدیل بشود و به مسائل اساسی کشور به‌ویژه مسائل اقتصادی و معیشتی بیشتر توجه شود.

سخنگوی قوه قضائیه به فعالان فضای مجازی نیز هشدار داد و گفت: در اظهار نظرهای خود مسائل اخلاقی، قانونی و شرعی مراعات شود و با بیت‌نام مناطق همجوار برای رعایت حقوق والدین الزامی است.

■ مدیر عامل سازمان پایه‌های استان تهران از افزایش خدمات‌رسانی و همچنین راه‌اندازی خط اتوبوسرانی از تهران به نجف و کربلا خبر داد.

■ مدیر کل شوراهای آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه برگزاری آزمون ورودی و اخذ چهره در مدارس هیئت امنایی غیرقانونی و ممنوع است، گفت: هر مدرسه‌ای که برای جذب دانش‌آموز در این مدارس آزمون بگیرد، تخلف کرده‌است.

■ معاون اول قوه قضائیه گفت: ساختار تشکیلاتی دادگاه‌های صلح در همه استان‌ها تا آذرماه اجرایی می‌شود.

■ معاون درمان وزیر بهداشت: ۶۳ مورد جدید به تب‌دنگی مبتلا شدند و ۳۰ درصد از افرادی که با نشانه‌استخوان درد شدید و تب بالا به مراکز درمانی مراجعه کردند، مبتلا به بیماری تب‌دنگی بوده‌اند.